

نخیر - در طرز خریدن و چهار دست وپا راه رفتن بچهها اختلافات کاملاً مشخصی دیده میشود بعضی ممکن است ضمن خریدن و چهار دست وپا رفتن جست و خیز کنند و برخی دیگر در یک مرحله موقتاً "باقی بمانند و بعداً" به مراحل دیگری برسند.

— چه موقع بچه اولین قدم را بر میدارد؟

یک بچه وقتی میتواند اولین قدم را بردارد که از قدرت ایستادن با کمک دیگری بخود اطمینان داشته باشد و بتدریج با تمرین متوالی و افزایش مهارت بالاخره بدون اینکه بحالتی تکیه بدهد شروع به راه رفتن میکند.

— درجه سنی یک بچه یاد میگیرد که راه برود؟

دوسوم تعداد تمام بچهها بخودی خود می آموزند که چطور بین ۱۲ و یا چهارده ماهگی راه بروند و در حدود ۱۸ ماهگی حد متوسط تمام بچهها مثل افراد بزرگ راه میروند.

— آیا تعلیم دادن یا تمرین در طرز راه رفتن در سنین مختلف بچه اثری دارد؟

هر چند در این باره پژوهشهای زیادی بعمل آمده ولی مدارک کافی در دست نیست که نشان بدهد که تعلیم دادن یا اجبار در راه رفتن بچه باعث شود که زودتر از مقتضیات سنی بتواند راه برود.

— آیا بچهها اشیاء را چنگ میزنند؟

واکنش چنگ زدن در همان روزهای تولد ویا پس از مدت کوتاهی در بچهها بوجود میآید که در نتیجه شست و انگشتان دیگر باهم، عمل قلاب یا چنگ را انجام میدهد. در چهار ماهگی بچهها به اشیاء خیره میشوند زل میزنند ولی در ۹۰

درصد اعدا ماتسان موفق به گرفتن آنها نمیشوند ولی تقریباً " نزدیک به پنج ماهگی از یک طرز بسیار سادهای استفاده میکنند بدین معنی که انگشتشان را به اطراف شیئی فرو میکنند و حصارمانندی دور آن شیئی ایجاد کرده با شست یا مچ، یادست آن را بطرف خود میکشند و بین دودستان فشار میدهند. البته این طرز جسییدن یا گرفتن حقیقی نیست،

زیرا دستها هنوز قدرت گرفتن اشیاء را ندارد و اولین مرحله جسییدن یا گرفتن حقیقی در شش ماهگی ظاهر میشود که بنام چنگ زدن فشاری میتوان نامید که در حقیقت کودک با یک کوشش بی فایده سعی میکند یک شیئی را بین انگشت باکف دست بگیرد. پس از این مرحله گرفتن با دست شروع میشود که در حوالی سنین هفت ماهگی خواهد بود که طفل انگشتان را به دور شیئی حلقه میکند و محکم تر نگاه میدارد و در هشت ماهگی باکف دست اشیاء را میگیرد بطوری که شست و انگشتان دیگر باهم کمک کرده شیئی را در کف دست نگاه میدارد. از این سن تا یکسالگی دیگر قدرت بیشتری در انگشتان و شست گسترش پیدا میکند تا اینکه بتواند بانوک انگشتان اشیاء را بگیرد و بانوک شست و انگشتان دیگر اشیاء را نگاه دارد و این سبک گرفتن اشیاء را میتوان حرکت گازانبری نامید.



# وسایل تربیت

اسلام وسائل چندی برای پرورش  
به کار می برد که از آن جمله اند :  
سرمشق و نمونه عملی نشان دادن  
پند و اندرز  
کیعروپاداش  
داستان و امثال  
عادت دادن به چیزی  
بیان پیشامدها . . .

هر رنگی از این رنگها راز منفذی وارد جان انسان می سازد و هر یک زخمه خاصی برای به صدادار آوردن یکی از تارهای سازجان است . انسان راهنگاهی به حال خود وامی گذارد که در تمام منافذ جانش رسوخ واز وسائل تربیت پر کرده باشد و هیچ باری بی کوک نمی ماند مگر اینکه آهنگی بر آن ساز کند و همه جوانب و جهات را در نظر می گیرد .  
در ذیل وسائل فوق راکه مورد استفاده اسلام است مورد بررسی قرار می دهیم .

## تربیت بوسیله سرمشق

عملیترین و پیروزمندانترین وسیله تربیت ، تربیت کردن بایک نمونه عملی و سرمشق زنده است تالیف کتابی در موضوع پرورش آسان است ! و تربیت یک نقشه خیالی هم اگر چه کامل و همه جانبه و وسیع باشد آسانتر . اما این روش و نقشه آهنگی که به یک حقیقت واقعی بر روی زمین تبدیل نشده ، تا هنگامیکه مترجم رفتار و ادراکات و افکار بشر نشده عملاً " اصول و اهداف آن روش را روشن نکرده است ، مرکبی است بر کاغذ و نقشی است بلیق در قضا . تنها روشی محقق می شود و منشاء حرکت گشته تحولی در تاریخ ایجاد می کند که عملاً بر روی زمین و در زندگی اجتماعی اعمال گردد .

خدای منزهی که این روش و الای مرتبه معجز آسارا وضع کرد می دانست که باید بشری آن را به کار بندد . انسان است که باید این روش را برینست . کرده به حقیقت واقعی تبدیل کند تا مردم آن را نیک شناخته به حقانیتش اعتراف و سپس از آن بیروی کنند .

مردم ناچار باید سرمشق و نمونه ای عملی مشاهده کنند . . .

بدینجهت محمد (ص) را برانگیخت تا سرمشقی برای جهانیان باشد :

" در واقع رسول خدا برای شما بهترین مقتدائی است که می‌توانید از وجودش سرمشق

بگیرید. ۱

و صورت کاملی از روش تربیت اسلامی در وجود آن حضرت گذاشت که در تمام جریان تاریخ صورتی جاویدان و زنده‌است.

از عایشه رضی الله عنها از خلق و خوی رسول خدا (ص) سؤال شد، گفت: خلفش قرآن بود! جوابی دقیق، عجیب مختصر و کامل... خلفش قرآن بود! زبانی زنده و گویا برای روح و حقایق و راهنما تئهای قرآن... ولذا مانند خود قرآن قدرت و جودی بزرگی بود. قدرتی از صنع خدا که تمام نوامیس و اسرار خلقت در آن متکامل و همه نیروها در وجودش جمع بود. شگفت‌ترین اعجوبه‌های کس جهان آفرینش وجود دیده‌است و صفات ملکوتی آسمانی را با خواص حیوانی زمین به هم آمیخته بود... عجیب نیست که زادگاهش را زادگاه نور گویند.

اخیراً دانش به حقیقتی معترف شده است که از روزگاران پیش، روح بشری به سادگی آنرا می‌شناخت. علم کشف کرد که ماده عبارتست از انرژی و انرژی متحول به تشعشع می‌گردد. آنرا روان بشری از روزگاران گذشته با سادگی و بدهانت دریافته بود که انسان انرژی است و انرژی انسان به تشعشع و پرتو افشانی دگرگون می‌شود و بالاخره به نور تبدیل می‌گردد. ولی وقتی این حقیقت را به تمام و کمال دریافت که محمد بن عبدالله صلی الله علیه و سلم را دید. یکپارچه انرژی از نور شفاف و درخشان که خدا او را برانگیخته بود تاراه مردم را بر روی زمین روشن سازد.

" ای پیغمبر ما ترا گواه و بشارت دهنده و اخطار کننده فرستادیم و خواننده مردم به سوی خدا به دستور خود او ترا چراغی درخشان فرستادیم ۳۰

این نور، در دلها و جانها پرتو افکند، برای مردم راه روشن شد، ره یافته و رهبری شده در این طریق روشن گام برداشتند و به حقیقت رسیدند. نور محمدی جانها را روشن ساخت، جانهای منور جهانیان بدو دلیستگی پیدا کرد، محبتش آنچنان در جانها ریشه دوانید که در عالم بی نظیر بود. هیچ فردی از افراد بشر به درجه محبوبیتی که محمد رسید دست نیافته است. این محبت حتی در دل کسانی که با دین خدا معارضه میکردند هم جاداشت... دشمنان این راه و دین جدید هم دلشان آکنده از محبت او بود!

همچنان که طبیعی است جنگ بین حق و باطل برپا شد... و باز آنچنان که طبیعی است حق پیروز شد، ظلمتی که روشنائی را از مردم در برده نگه داشته بود برطرف گردید و نور محمد بن عبدالله صلی الله علیه و سلم در جهان پرتو افکند چون نور افکنی مشعشع باقی ماند و همانطور که خواست خدا بود در خلال قرون و سده‌ها تاریکی را هدایت و قلبشان را به خدا مربوط کرد. وجود محمد (ص) از شگفتیهای جهان بود. همچنانکه گفتیم از نیروهای جهان هستی بود و معجزه‌های از نشانیهای قدرت و عظمت خدا.



محمدسرمشق مردم در زندگی عملی و بر روی زمین بود. با اینکه بشری از آنان بود تمام این صفات و استعدادها را در وجودش نمایان می‌دیدند و همه این مبادی زنده را تصدیق میکردند، زیرا به چشم خود مشاهده می‌کردند نه در کتاب می‌خواندند! این صفات و خصوصیات را در بشری می‌دیدند، جانهایشان به سوی او پرواز کرده احساسات و ادراکشان بجانب اومتایل می‌شد. می‌خواستند پرتوی از مشعل فروزان وجودش کسب کنند... هرکس باندازه توانائیش از آن برخوردار می‌شد و هرکس به قدر تحمل خود شخصیت و وجودش را بطرف اوج عظمتش بالا می‌برد. نه از اینکار مایوس می‌شدند و نه منصرف می‌گشتند. و نه اینکار را رویای شیرین لذیذی می‌دانستند که شبی از خاطرات خوش در ذهن به جای گذارد... واقعیتی را دیده بودند که بر سطح همین زمین و در میان خودشان حرکت می‌کرد. یک حقیقت عملی مشاهده می‌کردند آرزویی خیالی.

لذا رسول خدا در طول تاریخ خود بزرگترین سرمشق بشریت بود. و قبل از اینکه با گفتار خود مربی و راهنمای خلق باشد با رفتار شخصی خود بهترین تربیت کننده و رهبر بود و اینکار را هم از لحاظ تعلیمات عالییه قرآن می‌کرد و هم از جهت احادیث خود. نخست از خویش نمونه عملی دستورهای قرآن را نشان می‌داد پس از آن مردم را بدان دستورها می‌خواند.

از طریق او خدا آنچه انسان امتی را ساخت که در حقشان فرمود: " شما بهترین امتی هستید که برای تشویق مردم به نیکیها و بازداشتنشان از بدیها بیرون آمده‌اید و به خدا ایمان بیاورید." ۴ و بوسیله وجود او بود که خدا برای این امت منت گذاشت: " در حقیقت خدا بر مومنان منت گذاشت که رسولی از خودشان در میان آنان فرستاد تا آیات الهی را برایشان بخواند، آنانرا تزکیه و پاک ساخته، کتاب و قوانین و حکمت بدانان بیاموزد اگرچه قبل از آن در گمراهی آشکاری به سومی بردند." ۵

تا آسمانها و زمین هستند این سرمشق هم باقی و برقرار است.

شخصیت رسول خدا نمونه‌ای برای یک روزگار، یا یک نسل، یک ملت، یک مذهب و یا مکان معینی نیست... یک سمبل جهانی و همیشگی... برای همه مردم و همه نسلها است: " ما ترا نفرستادیم جز اینکه برای همه مردم جهان رحمت باشی." ۶ " ما ترا نفرستادیم جز اینکه برای همه مردم جهان بشارت دهنده و ترساننده باشی." ۷

او برای همه جهانیان و همه مردم است و برای همه زمانها از روز بعثتش به بعد. متعلق به همه نسلها در تمام زمین. آیتی جاویدان که نه از بین می‌رود، نه کاستی می‌پذیرد و نه نابودی.

همانگونه که اسلام شخصیت پیغمبر خود را سرمشق و نمونه عملی همیشگی قرار داده است، آن شخصیت برای هر نسلی در هر زمانه و مطابق با واقعیات زندگی مردم هر دوره ای نیز می‌باشد.

اسلام ، این سرمشق را به مردم عرضه نمی‌کند که تنها متعجب شوند و در عالم خیال و ذهن در باره اش بیندیشند ولی عملاً " از آن استفاده‌ای نبرند . ۷ .

آنها عرضه داشته است تا مثل آنها در خود تحقق بخشند و به رنگ آن نمونه واقعی درآیند ، هرکس به اندازه ظرفیت و استعدادش از آن شعله فروزان پرتوی بگیرد و تا آنجا که توانائی دارد برای رسیدن بدان قله کمال از کوه ذاتش بالا رود . به خاطر این منظور ، همیشه زندگی مادی ظاهری آن بزرگوار فیض بخش و شاخص و در معرض انظار عمومی بود ، نه یک داستان اخلاقی تخیلی که محبتش روانها را در بیابان بیکران خود سرگردان کند بدون اینکه از واقعیتش متاثر شوند و از آن نمونه عالی سرمشق بگیرند .

چون اسلام — بطوریکه در ابتدای این مقاله گفتیم — سرمشق دادن را بزرگترین وسیله تربیت می‌داند ، پایه روش تربیتی خود را بیش از هر چیز بر این سنگ استوار می‌گذارد . . . . کودک ناچار است که در خانواده خود سرمشقی داشته باشد تا از هنگام طفولیت خویش از مبادی اسلامی و روش والامرتبه‌اش سیراب گردد . مردم بایستی در جامعه خود سرمشقی داشته باشند تا برای بردوش کشیدن بار تربیت واقعی سودمندی برای نسلها ، به رنگ و شکل اسلام و آداب و رسوم پاکیزه‌اش درآیند . جامعه ناچار است در راس خود رهبر یا فرمانده یا زمامداری داشته باشد که این مبادی رفیع اسلامی در وجودش محقق شده باشد تا حکومت شدگان و پیروان هم خود را بر آن منوال بسازند . . . .

برای همه اینها شخصیت رسول اکرم بهترین سرمشق است ، زیرا تمام مبادی و ارزشها و تعالیم درخشان در وجودش متمثل شده بود .

لذا اسلام روش تربیتی خود را بر اساس همان راه و رسمی می‌گذارد که آن پیغمبر عظیم‌الشان سکان کشتی اجتماع و زندگی را بدانجهت سوق داد .

اسلام ، امر مهم تربیت را به کوشش فردی رها نمی‌کند که احیاناً " به موفقیت انجامد یا در چنین خفه شود . . . . و یا بذر آنها بادها و گردبادها در و کینند ! بلکه آنها را یک زنجیر وسیع طویل همه جانبه‌ای قرار می‌دهد که از زمامدار شروع شده به کودک شیرخوار پایان می‌یابد : حکومت اسلامی جامعه اسلامی و تربیت اسلامی همه هماهنگ و در یک سلسله می‌باشند . بدیهی است که هر سیستم و آئین ، روش تربیتی را بر پایه‌ای می‌گذارد که برای اجرای آن قیام کرده است و اسلام از هر آئین و نظام برای اعمال این کار سزاوارتر است . زیرا به هیچ وسیله و ابزار دیگری نمی‌تواند روش خود را عملی سازد . لذا ناچار است از ابزارها و وسائل مخصوصی سودجوید تا راه و رسم منحصر به فرد بی‌نظیر خود را در گردش تاریخ به جریان اندازد و عملی کند .

چون می‌خواهد اجتماع اسلامی تشکیل دهد ، کودکان را با سرمشقی که در این جامعه برافراشته از اصول اسلامی آبیاری می‌کند و هر خانواده و پدر و مادری باید نمونه‌ای از تعلیمات اسلامی باشند . ۸ .



کودکی که می بیند پدر و مادرش دروغ می گویند ، ممکن نیست راستی بیاموزد .  
کودکی که می بیند مادرش به پدر یا مادر با نسبت به خود او خیانت می کند ، امکان ندارد  
امانتداری بیاموزد .

فرزنددی که مادر خود را بی پروا نسبت به هرنیک و عاری مشاهده کند ، فضیلت نخواهد  
آموخت .

فرزنددی که پدر خود را نسبت به خود سنگدل و سختگیر ببیند نمی تواند مهربانی و همکاری با  
دیگران یاد بگیرد .

خانواده تربیت کننده ایست که نخستین بذرهای تربیت را در جان طفل می کارد و رفتار و  
ادراکات و طرز تفکر او را می سازد .

از اینجهت سزاوار است خانواده پاک باشد ، مسلمان باشد تا نسل مسلمانی پرورش دهد که  
بیادی و آداب اسلامی در جانشان محقق گردد . این اصول و تعلیمات اسلامی را مستقیماً " از  
سرمشقی فراگیرد که او هم از رسول خدا بدو منتقل شده باشد .

علاوه بر این شایسته است که سیره نبوی و رفتار رسول خدا در زندگانش همیشه بخشی از راه  
و رسم تربیت باشد . در خانه و آموزشگاه و کتاب و روزنامه و رادیو ، پیوسته سیره پیغمبر گفته  
شود و عملاً اعمال گردد تا دائم یک نمونه عملی از تعلیمات اسلامی زنده و مشخص در مشاعرو  
افکار جایگزین شود .

۱- الاحزاب / ۲۱

۲- درباره انرژی و ماده به کتاب " ذره بی انتها ، مراجعه شود ، ( مترجم )

۳- الاحزاب / ۴۶-۴۵

۴- آل عمران - / ۱۱۰

۵- آل عمران / ۱۶۴

۶- الانبیاء / ۱۰۷

۷- سبأ / ۲۸

۸- نگاه کنید به مقدمه کتاب " قیسات من الرسول "

عَوَّدَ نَفْسَكَ النَّصْبَ عَلَى الْمَكْرُوهِ

خویشترن را بصورتی بردباری عادت ده .  
عَلَى عِبَادَةِ السَّلَاةِ



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سید کاظم مدرسی

# لزوم پرورش قبل از آموزش

عاطفه کودکان برنامه ریزی نمود اخیراً " به این موضوع بیشتر توجه شده است که قبل از دست - یابی کودک به محیط آموزش باید محیط پرورش قبل از دبستان او مورد توجه باشد .

برای بهتر سازی کیفیت آموزش عمومی و نتیجه گیری مثبت از آن ضرورتاً " بایستی برای یافتن میزان کمی و کیفی هوش و استعداد و

در همین نظریات این سؤال بیش از هر چیز برای متخصصین تعلیم و تربیت پیدا شده است که وجود مدارس قبل از دبستان برای عموم کودکان لازم است یا نه؟

تعدادی از این متخصصین لزوم پرورش و آموزش قبل از دبستان را برای کسانی که از طبقات اجتماعی اقتصادی پائینی هستند لازم می دانند.

بعضی دیگر بر این عقیده اند که وجود مدارس چون کودکان و یا کلاسهای آمادگی و یا مهد کودک باعث جدا شدن کودک از محیط خانه و والدین می شود و این امر از نظر عاطفی برای کودک زیان آور است در صورتی که خود والدین می توانند برای کودکان در محیط خانه وضع مناسبی در جهت پرورش و یا آموزش داشته باشند.

البته بیشتر موارد پیشنهادات این متخصصین، روی آموزش قبل از دبستان است و بنظر ما این امر یک نقص فاحش است امروز با توجه دقیق روی تمام برنامه ریزی های موجود در کودکان و یا مدارس نرسی و کلاسهای آمادگی این امر مشخص می شود که این مراکز یا نگاهدارنده هستند یا آموزش دهنده.

در صورتی که جدیت در برنامه ریزی ها باید روی پرورش باشد زیرا آموزش از بد و ولادت کودک برای او امکان پذیر می شود و کودک از هر نگاه و حرکت و حرفی آموزش می بیند و نیروی فراگیری و تقلید او بسیار قوی است.

اولیاء باید چنین نیروی آماده ای را در جهت صحیح هدایت نمایند و برای انجام این امر والدین باید به شناخت کافی و درک مسائل پرورشی بپردازند تا بتوانند مربی و

معلم اول فرزندان شان در محیط خانه و در کنار آنان باشند.

اگر والدین و بویژه مادران بدانند که کودکان شان از چه نوع رفتار و کردار سرمشق می گیرند و چه نوع کردار و رفتاری مانع یادگیری آنان می شود اینقدر ساده و بی تفاوت از کنار اینگونه مسائل نمی گذرند. والدین باید درک نمایند که برای فرزندان شان هم مربی هستند و هم معلم لذا باید خودشان از پرورش کافی و اطلاعات زیادی در این زمینه برخوردار باشند. دادن این احساس مسئولیت به اولیاء و به ویژه به مادران به چند طریق امکان پذیر است:

اول اینکه خود مسئولین رده اول هر جامعه درک این موضوع را داشته باشند که اولیاء در پرورش و آموزش فرزندان چه اندازه مسئول و موثرند و باید در چه وضعی از نظر اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی باشند.

دوم - آسودگی خاطر و اطمینان اولیا از هر جهت تأمین باشد تا بدینوسیله بتوانند بر امر پرورش و آموزش فرزندان شان اقدام مثبت نمایند، زیرا در جامعه های عقب نگاه داشته شده که وضع اقتصادی اجتماعی اکثر مردم در سطح پائینی قرار گرفته شده عموماً " اولیا قادر بر انجام امور پرورش و آموزش نخواهند بود وقتی اولیاء تمام هم و تلاش خود را تنها صرف تأمین ضرورت های اولیه زندگی نظیر مسکن و پوشاک و مواد غذایی می کنند دیگر نیرویی باقی نخواهد ماند که آن را صرف پرورش و آموزش فرزندان شان نمایند.

تا وقتی که فقر اقتصادی و اخلاقی وجود داشته باشد فقر پرورشی و آموزشی نیز وجود خواهد داشت و بهترین تحلیل های پرورشی و برنامه



ریزی‌های آموزشی چندان موثر نخواهد بود.

سوم - احسن اولیاء و سر بیان در هر جامعه موظف کرد د که با همیاری سایر سازمانهای دولتی بویژه سازمانهایی که آمار موالید را در اختیار دارند، جزوهائی از مسائل تحلیل یافته پرورشی و آموزشی را در مناسبتهای مختلف دوران رشد کودکان برای عموم اولیاء بطور رایگان ارسال نماید، و برای اولیاء بی‌سواد در دعوت‌های حضوری تشکیل جلسات مذاکره بدهد.

چهارم - رسانه‌های گروهی با هماهنگی و بره‌ای مسائل پرورش و آموزش را بطور مسوع و ساریده برای اولیاء مطرح نمایند.

هشکامیکه اولیا به درک مسائل پرورش و آموزش توفیق حاصل کنند امید به پرورش و آموزش مثبت فرزندان فراهم می‌شود. اینگونه اولیاء هم در محیط خانه می‌توانند مربی خوبی برای فرزندانشان باشند وهم تعلیمی آگاه و دل‌سوز در این رابطه مادر می‌تواند به خصوصیات شناختی و عاطفی و استعداد کودک بپردازد و برای پرورش و آموزش او برنامه ریزی نماید. اینگونه اولیاء را می‌توان در برنامه ریزی مدرسه شرکت داد و از آنان در تدریس نیز استفاده

نمود سود این کار ایست که مادران با وضع رفتاری کودکان در محیط اجتماعی مدرسه از نظر رفتار سقائل فرزندان خود با سایر کودکان و سایر بچه‌ها با فرزندانشان آشنا می‌شوند و این جنبش‌شاختی در محیط خانه امکان پذیر نیست.

علاوه بر این بنا بر اعتقادی که از تجربه حاصل شده است شرکت مادران و بویژه مادرانی که معلومات زیاد دارند باعث می‌شود که حس اعتماد نفس آنان تقویت گردد و احساس کند که تنها تک زن حاشه دار نیستند بلکه می‌توانند از جهات دیگر به کودکان خود و دیگران کمک نمایند.

از نظر کودک نیز در کنار داشتن مادر در محیطی غیر از منزل و دور از سایر افراد خانواده بی‌فایده نیست اگر کودکی تنها فرزند خانواده است و تمام توجه مادر در منزل فقط به او معطوف می‌شود در اینجا باد می‌گیرد مادرا و یک معلم است و باید وقت خود را با سایر بچه‌های کلاس تقسیم نماید که در نتیجه کودک مفهوم کلسی (سریک شدن) را یاد می‌گیرد. تربیت مادران

بفیه در صفحه ۴۴



## ناصر کمالیان

پیامبر اسلام برای جلب رضای پروردگار و قرار گرفتن در جوار رحمت او صدقهای نه از مال و منال و جان بلکه از علم و دانشش پیشنهاد می فرمایند.

"مَاتَصَدَّقَ النَّاسُ بِصَدَقَاتِهِ فُضِّلَ مِنْ عِلْمٍ يَنْشُرُ. ۱"

"هیچ صدقهای که مردم دهند از علمی که منتشر شود بهتر نیست. "أَفْضَلُ الصَّدَقَاتِ أَنْ يَتَعَلَّمَ الْمَرْءُ الْمُسْلِمُ عِلْمًا ثُمَّ يُعَلِّمَهُ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ ۲"

"بهترین صدقه ها آن است که مرد مسلمان دانشی بیاموزد و به برادر مسلمان خود تعلیم دهد. " آدمی طبعاً بیشتر به کسب امتیازاتی مایل است که دوام و استمرار بیشتری داشته باشد و در برابر زحمات و فعالیت های خود هر چه پاداش بیشتر و بادوام تری دریافت کند راضی و خوشحال تر خواهد بود. چه بهتر که این مزد و پاداش علاوه بر دوام و استمرار از جانب خداوند نیز بوده باشد. و علاوه بر زمان حیات خود درمات او نیز برایش منشاء خیر و برکت باشد. پیامبر اسلام این چنین پاداشی را از طرف خداوند در قبال هفت چیز بیان فرموده اند. که

تعلیم دادن اولین آنهاست.

"سَمِعُ بَخْرِي لِلْعَبْدِ أَجْرُهُنَّ وَهُوَ فِي قَبْرِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ: مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا، أَوْ... ۳"

"هفت چیز است که پاداش آن برای بنده در قبر او و پس از مرگش دوام دارد: کسی که علمی تعلیم دهد، یا....."

به همین جهت پس از عنوان دانشمند دانش آموز را بر شمرده است.

اهمیت معلم از دیدگاه امامان پاک

شاید در بیان مقام معلم گفتار مشهور مولاعلی (ع) کفایت کند،

# اهمیت و مقام معلم از دیدگاه اسلام

که خود را بنده معلم خویش دانسته است.

"مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا فَذَصِيْرَتِي عَبْدًا. ۱"

"هر کس حرفی به من آموخت مرا بنده خویش نمود. "

همانطور که قبلاً اشاره شد دانشمند وارث انبیاء است. و علم والاترین نعمت الهی است و انسان دانشمند امانت دار این موهبت است. امام علی (ع) می فرماید:

پیامبر بزرگ اسلام کسانی را که در مسیر دانش نیستند به هلاک شدن

بیم می دهد:

"أَعْدَاءُ عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا أَوْ مُسْتَعِيْبًا أَوْ مُجْتَبًا وَلَا تَكُنِ الْخَامِسَ وَفْتَهْلِكُ. ۴"

"دانشمند باش یا دانش آموز یا

مستمع یا دوستدار علم و پنجمی می باش که هلاک خواهی شد. "

بدیهی است که در این سخن گهر بار مقصود از دانشمند معنی عام آن نیست بلکه مقصود دانشمندی است که تعلیم دهد.

"لَا خَيْرَ فِي الصَّمْتِ عَنِ الْحَكْمِ كَمَا أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي الْقَوْلِ بِالْجَهْلِ ۵  
 " خیر و نیکوئی نیست در خاموشی با حکمت و دانش چنانکه نیکی نیست " در گفتار با جهل و نادانی

بدینسان درمی یابیم که دانشمند حق ندارد که دانش خود را مخفی دارد بلکه عالم زمانی ارزش و اهمیت خود را بدست می آورد و از حریم شخصیت علمی خود پاسداری می کند که آن راه دیگران بیاموزد و بر قامت عالمانه خود لباس تعلیم ببوشاند و علم خود را به زیور تعلیم و نشر آن بیاراید. آن چنانکه امام محمد باقر (ع) می فرماید:

" زَكَاةُ الْعِلْمِ أَنْ تُعَلِّمَهُ عَبَا دَ اللَّهِ " (۶)

" زکات علم این است که آن را به بندگان خدا بیاموزی "

و امام جعفر صادق (ع) فرموده است:

" مَنْ تَعَلَّمَ وَ عَمِلَ وَ عِلْمٌ لَدَيْهِ ، دُعِيَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا " (۷)

" هر کس برای خدا دانشی فرا گیرد و بآن عمل کند و به دیگران بیاموزد ، " در ملکوت آسمانها از او به عظمت یاد می شود . "

با توجه به این گفتارهای گهر

بار می توان گفت که از نظر بر اولیاء خدا زمانی دانش و علم بر وجود انسان برآورده است که تعلیم داده شود . و عالمی که معلم نباشد رسالت خویش را بجا نیاورده است . در اصول کافی از

امام جعفر صادق (ع) نقل شده است که : " جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْعِلْمُ ؟ قَالَ : الْإِنصَاتُ ، قَالَ : ثُمَّ مَهْ ؟ قَالَ الْإِسْتِمَاعُ ، قَالَ : ثُمَّ مَهْ ؟ قَالَ الْحِفْظُ ، قَالَ : ثُمَّ مَهْ ؟ قَالَ : الْعَمَلُ بِهِ ، قَالَ : ثُمَّ مَهْ يَا رَسُولَ اللَّهِ ؟ قَالَ : نَسْرَةُ . " ۸

" مردی خدمت رسول خدا آمد و گفت : یا رسول الله علم چیست ؟ فرمود سکوت کردن ، گفت سپس چه ؟ فرمود گوش به سخنان فرا دادن ، گفت سپس چه ؟ ای رسول خدا ؟ فرمود : انتشارش دادن . "

پس از نظر رسول خدا (ص) و امام جعفر صادق (ع) تا زمانیکه علم بوسیله صاحب آن در مجرای انتشار آن یعنی تعلیم و آموزش دادن آن نیافتند ، مفهوم واقعی خود را بدست نمی آورد . چه گفته ماند ( برای نهادن چه سنگ و

چه زر ) از این جهت نشر علم و دانش و پرداختن به ترویج آن بر دانشمندان واجب است که تنها از این راه ممکن است جامعه را رشد داد و به کمال مطلوب

انسانی رسید . همانطور که در پیش گفته شد ، ارزش و اهمیت کار عالم و دانشمند از نظر پیامبر بزرگ اسلام بسیار بیشتر از عاید شب زنده داری است که تنها به نیایش و عبادت می پردازد . تعلیم علم به ساختن انسانهایی عالم کمک می کند که عبادت آنها با شناخت و یقین همراه است و با دیده عقل به محراب عبادت نشستماند . و با چشمان باز علم و خرد به عالم هستی می نگرند . قرار دادن گوهر علم در صدف سینه انسان کمک به

جریانی است ، که مسیر آن راه پیامبران بوده است . حاصل آن پروراندن افرادی است که وسوسه شیطان را از راه صواب باز شناخته و قدم در راه باطل نمی گذارند . به عبارت دیگر دانشمند با پرداختن به تعلیم دیگران میدان فعالیت شیطان را تنگ کرده و به

بارور شدن درخت مقدس انسانیت کمک کرده است . چه عبادتی نیکوتر از تعلیم و چه کسوتی شایسته تر از لباس معلمی به قامت دانشمند است . بدیهی است که تعلیم دادن در حقیقت همان هدایت کردن است هدایت به سوی حقایق و در نهایت بسوی حق ، چه عالم خدا پرست با

تحریر ایک کورڈینا  
اجتماعی علم  
علی امیری



پروفیسر شکارہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرنال جامع علوم انسانی

تعمیرت  
جانی

علی امیری

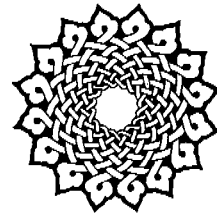
مراهم می آورند. آنها با دستمالی به فک و ران کودک و نوازشهای بسیار در این زمینه عامل تحریک فرزندان میشوند.

این امر، بویژه دستمالی ران کودک برای آنها خطرآفرین است در پسران بویژه درمرز سنی ۲-۱۲ سالگی زیانهای ناگواری ایجاد میکند. بر اساس یک تحقیق قریب  $\frac{1}{3}$  کودکان در چنین سن بر اساس دستمالیها تحریک شده و خواستار ادامه آن بوده اند.

دستکاریها در سنین نوجوانی بمراتب خطرناک تر است و حتی مادران و آشنایان باید مراقب باشند در قسمت هائی از بدن دختر دستمالی نداشته باشند و اگر هم برخی از دوستان بعنوان بازی و شوخی چنین کاری میکنند از راه و روششان جلوگیری شود. این بیداریهای قبل از موقع سبب عوارضی خواهد شد که نمونه آن تشدید لغزشها و یا ایجاد آن است.

#### دستمالیهای ناروا:

باهمه توجهی که در اسلام راجع به رشد عاطفی و پرورش آن شده است، اسلام از حدود سنین تمیز کودک برای آن حد و مرز مراقبت-هائی را معمول داشته است. پدر محرم دختر است و مادر محرم پسر ولی درمرز سنی تمیز بوسیدنها و نوازش کردنها تحت ضابطه است. مردی که گونه دختر ممیز و یا نوجوان خود را میبوسد ناخودآگاه سبب تحریک و لغزش او خواهد شد. زنی که چهره پسر ممیز خود را در سنین تمیز یا نوجوانی میبوسد او را ممکن است به وادی انحراف سوق دهد. در کل میخواهیم بگوئیم اظهار محبتها، نوازشها،



گاهی کودک در شرایط اجتماعی نامساعدی قرار میگیرد که اثری زینبشخ برای حال و آینده او دارد. والدین و مربیان آگاهانه و یا ناخودآگاه رفتاری از خود بروز میدهند که در آن پای فرزند به میان آمده و او را به سوی فساد سوق میدهد.

اینان شاید درموردی میخواهند به فرزند خود محبت کنند و یا با او از در نوازش درآیند ولی از نظر تربیتی راه را عوضی طی میکنند و نتیجه آن تحریک و یا اغفال است. وضع بهمین گونه است برای حیات کودک که در محیط معاشرتی مختلطی باشد. روابط نادرست، دیدهها و شنیدهها و حتی تماشای برخی از رفتارهای بنظر هنرمندانه و اعجاب انگیز میتواند بعنوان عامل تحریکی باشد.

آنها که در دوروبر کودک قصد آن را ندارند که میل جنسی را در کودک و نوجوان تقویت و یا راه و رسم شهوترانی به او بیاموزند ولی حاصل رفتارشان به چنان وضع و موقعیتی منجر خواهد شد و مادامیکه به بررسی جوانب و ابعاد این مسائل می پردازیم.

#### دستی از عوامل تحریک

ما معتقدیم که در برخی موارد مادران بصورتی ناخود آگاه موجبات تحریک فرزندان خود را

به آغوش کشیدن آنها، بوسه زدن آنها، خوابیدن فرزندان با پدر و مادر در بستر واحد ممکن است سبب لغزش ها شود و اگر والدین از آن غافل باشند و غرضشان ابراز محبت خالص باشد والدین و مربیان باید بدانند که میل و هدف جنسی تنها منحصر به تماس با اعضای تناسلی نیست گاهی بصورت لمس و بوسه است. بوسه ها بر چهره، در آغوش گرفتنها از سوی دوستان ممکن است نوعی تقلید از رفتار بزرگتران و همراه با التذاذ یا تحریک جنسی باشد به همین نظر ضروری است تحت ضابطه در آید.

### ۳- معاشرت ناصواب:

زندگی در محیط مختلط در سنین قبل از تمیز با حفظ ضوابطی اگر روا باشد برای سنین بعد از تمیز بویژه از حدود ۹ به بعد روا نیست و اسلام هم چنین محیطی را برای زندگی فرزندان ما نمی پسندد، بویژه در آنگاه که معاشرت ها تحت کنترل نباشد.

ممکن است در دوران کودکی پسر و دختری یکدیگر را بخاطر محبت ببوسند و هیچ مساله جنسی هم در میان نباشد که نیست. ولی این امر پایه های در ذهن کودک میشود که از حدود ده سالگی به یاد آن صحنه ها افتد و بدان امر راغب گردد. و یا ممکن است کودکان قبل از دبستان لخت شوند و بدن یکدیگر را ببینند و هیچ مساله ای هم پدید نیاید و یا بدن یکدیگر را لمس کنند و التذاذی هم در میان نباشد و لسی فراموش نکنیم که در آن صورت پایه های آلودگی و ناامنی گذارده خواهد شد.

در سنین نوجوانی حرص معاشرت بسیار میشود و حتی ممکن است در برابر جنس مخالف

رفتارهای ناپسند و خنده دار از خود بروز دهند و خود نمائی هائی بکنند که فرجام آن جلب نظر و یا تحریک باشد. رفتارشان در محیط مختلط ظاهراً ملاحظت آمیز و دوستانه است ولی در و رای آن مسائل دیگری وجود دارد که تعمق در آن حقایقی را روشن میکند.

اقل زیان زندگی در محیط مختلط پیش رسی جنسی برای پسر و دختر است که درباره عوارض آن در بحث های بعدی سخن خواهیم گفت. در کل امر تحریک را ولو برای عده ای از آنها نمی توان نادیده انگاشت.

### ۴- روابط ناپسند:

ارتباط کودکان و بانوجوانان بدن نیست و از جهاتی هم ضروری است که وجود داشته باشد تا موجب رشد اجتماعی و عاطفی آنها را فراهم آورد. ولی قابل ذکر است که بگوئیم فرزندان خود را از معاشرت و ارتباط با افراد ناباب دور و بر حذر داشته باشید.

مهر و محبت کودکان نسبت بهم تا حدود زیادی خالص است ولی در ابراز مهر و محبت کودک و نوجوان، تا کودک بالغ، بوسیدن و بغل کردن شان زندگی در خلوت شان، راز دل گفتن های شان دل دادن به ایشان را باید یادیده تردید نگریست و تجربه نشان داد که درصد بالایی از این ابراز محبت ها و مهرورزی ها خالص نیستند.

بسر بردن اینان در یک رختخواب و زندگی در خلوت - آمیز کودکان و نوجوانان ارتباط شان با جنس مخالف موجب تحریک، تخیلات شهوانی - تحریکات اتفاقی و در کل گرفتار کننده است. تماس های بدنی در همان آغاز برای کودکان هیجان انگیز و البته سرچشمه پیدایش عواطف

است ولی اگر از مسیر خود منحرف شد خطر آفرین میشود .

### ۵- استحمام :

کودک در مواردی چنین مینماید که در خواب است، در حالیکه بیدار است و ناظر به رفتار جنسی والدین است. بررسیهای تجربی نشان داده اند که دیدن اوضاع و شاهد معاشقهها و



اینکه مادر کودک شیرخوارش را با خودحمام ببرد بحثی نیست ولی وقتی که کودکان به سنین تمیز نزدیک شدند روانیست که بمران به حمام زنانه بروند و بدن دیگران را برهنه ببینند. این امر در آن سنین شاید ساله آفرین نباشد ولی یاد آوری خاطره آن در دوران نوجوانی و بلوغ قطعاً " مساله ساز خواهد بود . برخلاف طرز فکر برتراند راسل اسلام اجازه نمی دهد که کودک ممیز مادر و خواهر ویدرش را برهنه ببیند از آن بابست که بعقیده روانشناسان بدنهای لخت خود از محرکهای جنسی بحساب می آیند و دلیل آن عامه پسندی عکسهای برهنه و لخت افراد است .

### عناکاهی از روابط والدین :

مغازهها بودن سبب تحریک و لااقل بیداری قبل از موقع کودکان است و زمینهای میشود که اگر مواردی مشابه پدید آید کودکان در آن وادی بلغزند .

### ۷- تماشای رفتار قهرمانان :

اصولاً " در کودک حالت قهرمان دوستی است

شما نیکو میدانید که اسلام در زمینه روابط زوجین چه توصیههای مهمی دارد برخی از روایات ما میگویند که روانیست کودک صدای نفس والدین را در حین مقاربت بشنود . رسول خدا فرمود مرد نباید با همسرش مقاربت نماید در حالیکه کودکی در اطاق است زیرا که این عمل باعث زناکاری طفل در آینده خواهد شد .

**اسلام زیربنا و اساس زندگی فردی و اجتماعی  
انسان و جوامع بشری را فرهنگ میداند**

۸- شنیدن مباحثی در این رابطه :

تا حال سخن از دیدنها ، لمسها ، معاشرتها و روابط ناصواب بود که عامل تحریک بحساب می آمد و اینک می خواهیم بگوئیم شنیدن مباحثی در این رابطه و حتی خواندن آنها خود از عوامل تحریک بشمار می آیند .

بچهها از حدود سنین ۹ سالگی به رفیق بازی بیشتر روی می آورند و در مراحل نوجوانی با هم به رازگوئی می پردازند . آنچه که آنها رازش میانند مباحثی است از آنچه که در بین جمع ناگفتنی است . آنها آنچه را که در رابطه با این مسائل شنیده و یا دیده اند برای دوستان خود تعریف میکنند .

غرض اینکه وقتی بچهها از این مسائل چیزی میشوند ، مخصوصاً اگر در سنین نوجوانی و بیداری جنسی باشند تحریک شده و ناخود آگاه به فکر تخلیه و ارضا می افتند . وضع بهمین گونه است در رابطه با خواندن نوشته هایی که در این زمینه است و والدین و مربیان در رابطه با کتب و مجلاتی که به خانه می آورند این جنبه ها را باید مورد نظر داشته باشند .

هرچه که برای طفل اعجاب آمیز باشد نظر او را بخود جلب میکند . طفل از دیدن حالات و رفتار قهرمانان میل به همانندی با آنها می کند و در طریق وصول به چنین مقصدی تسلیم است .

گاهی دیدن سینه های باز ، رانهای لخت آنان برای او جذبه های ایجاد کرده و سبب تحریکش میشود .

نگاههای او بویژه در سنین نوجوانی شکل و صورتی از ملامسه را دارد که انگیزه های لذت جویانهای را تعقیب میکنند و این امر برای افراد بهنگامی مؤثرتر است که طرف مقابل بیشتر مطلوب و مورد نظر او باشد .

از سوی دیگر کودکانی که از اندام مناسب و جالبی برخوردارند اغلب طعمه آنهایی میشوند که در طریق آلودگی هستند نوجوان یا بالغ آلوده او را همانند قهرمان و فردی ایده آل می یابد و میکوشد تمناهای خود را در این رابطه بمرحله اجرا بگذارد و کمند افرادی که محبت هایشان در این رابطه بی شائبه باشد . وضع بهمین گونه است در مورد تماشای بازی مهیج از سوی فرد یا افراد که برای دیگران صورت تحریک آمیز دارد .

حکمت شماره ۱۷۳ عبارت ۱  
۲- اصول کافی جلد ۱ صفحه ۵۱  
۳- بحار الانوار جلد ۲ صفحه ۲۷  
۴- اصول کافی جلد ۱ صفحه ۶۱  
۵- سعدی  
۶ و ۷ - نهج الفصاحه بترتیب  
گفتارهای شماره ۲۶۳۶ و ۲۰۲۰



علم را از راه تعلیم دادن بهتر بیان دارد .  
" صاحب دلی به مدرسه آمد ز خانقاه بشکست عهد صحبت اهل طریق را گفت میان عابد و عالم چه فرق بود تا اختیار کردی از آن این فریق را گفت آن گلیم خویش برون میکشند موج و این جهد میکند که بگیرد غریق را "  
۱ - نهج البلاغه صفحه ۱۱۷۱

بقیه از صفحه ۴۷



تعلیم دست آورده های علمی خود به دیگران نه تنها خود را از گمراهی نجات می دهد بلکه همه آن کسانی را که از فیض تعلیم او توشه گرفته اند به راه حقیقت و رستگاری سوق داده است . شاید مفهوم این ابیات ارزش احیای



# پرورش

## کودک در دبستان

در پرورش کودک دبستانی ، باید دانش و خرد را همدوش داشت تا سودمند افتد . ( نه آنکه علم ، جانشین خرد شود . یا تصور گردد که از علم بدست آید . یا با وجود علم ، از آن بی نیاز خواهد بود . والبتہ باز این همپائی را تصویرها و صحنه‌ها بخوبی میتوانند ارائه دهند و امتیاز قضیه را بفهمانند . )

حافظهٔ تفریری را واسطهٔ تحصیل نباید فرار داد ( که هرچه به او آموزند عیناً بیان کند . بدون اینکه بررسی و تفکر و فعالیت دربارهٔ آن آموخته‌ها انجام داده باشد . باز صحنه‌های دیدنی میتوانند او را به اندیشه ، و بررسی و نظر - دهی و ابتکار آشنا کنند و وادار نمایند ) .

موضوع درس ، باید موافق استعداد و ذوق باشد تا خستگی ایجاد نکند و روح او را فلج نسازد ( زیرا تحمیل فراگیری درسی که خستگی آورو ملال‌انگیز است ، خود ، عصیان و بیماری روانی ایجاد میکند .

ضمناً " راه بررسی ذوق کودک دبستانی ، تنها با ارائه اشیاء و صحنه‌ها و موضوعات مختلف است ، که معلم ، هم آنچه را جالب و مناسب است ، و هم میزان کشش شاگرد را نسبت به آن بدینوسیله و با دقت در نحوه توجه شاگرد به صحنه و موضوع در خواهد یافت ) .



رجب علی مظلومی

کرد .)

چنانکه قبلاً هم اشاره شد، موضوع درس باید با زندگی روزمره و نیاز شاگرد موافق . و بلکه برای آن " مؤید و راهنما " باشد . و لذا سادگی میتوان آن را همراه با ( اخلاق مناسب نیت مناسب - عاطفه مناسب - داوری مناسب - اجرای مناسب ) تعلیم کرد ، تا با بیای تعلیم ناءدیب نیز شده باشد ، و این همپائی و همراهی " علم و اخلاق " را بداند . و خود را بر آن اساس بدارد .

مری باید " تجارب " را بجای " اندرزه‌های کتاب " به کودک تحویل نماید . زیرا بسیار آموزنده‌تر هستند . مری باید جهان بزرگ را درپیش ذهن شاگرد بگسترده . تا شاگرد در آن وسعت خود را قراردهد؛ هم بیگانه نباشد؛ هم چون فردا در آن ، قرار میگیرد و عضو جامعه میشود ، بیم نکند ، و راه و رسم زندگی در آن را بدرست بداند ، و هم خود ، کامیابها ، شکستها ، تعالیها و روش وصول به تعالیها را تنها از راه " دیدن و مطالعه و تفکر " دریابد ، تا برای همیشه ، طریقه " شاگرد جهان و زندگی بودن " را آموخته باشد و " کتاب بزرگ طبیعت و زندگی " و " معلم حیات " همیشه بر علم و تجربه او بیفزایند .



مری باید بداند که اندرزه‌ها و درسهای تربیت علمی هم ، وقتی اثر نیکو دارد که شاگرد شخصاً " پذیرا و نجیب " باشد ، والا بیفایده است . سفرها ، سیاحتها ، دیدن آثار فرهنگی و دینی ملل ، بناهای تاریخی ، کارگاهها ، موجودات طبیعی ، و ... بهترین وسیله کسب " معرفت " هستند . ( " معرفت "

درس همه باید از گزیده‌ها و برجسته‌ها ، و قابل هضم‌ها و مفید عملی زندگی و فردای اجتماع ، باشد ( درس ، کم باشد ولی عالی و خوب ، و از هر بخش زندگی نمونه‌ای ) . راه شناخت اینکه کدام قسمت را هم ، شاگرد برجسته ، میداند و بزمیگزیند و یا سهل الهضم و مناسب می‌شناسد ، نیز جز از راه ارائه صحنه‌ها و نموده‌ها میسر نیست .

معلم در باره موضوعات درسی ، توضیح ندهد بلکه از شاگرد بخواهد و با او بحث کند البته به گونه‌ای که حاصل آن " نظام فکری شاگرد " و دیگر " قدرت بخشیدن به داوری وی " باشد و بس . و کاری کند که شاگرد ، خود را در قبال کتاب و مؤلف آن نازد و محکوم ننهد و مجبور به پذیرش نداند و بتواند که چون و چرا کند ، و اگر می‌پذیرد ، سنجیده و فهمیده باشد . و در عمق ذهن او ، مطلب قرار گیرد . زیرا اگر چنین نباشد، نظر " روسو " درست است که گفت : کتاب ، خود ، آفت " کودکی " است و مانع از آن است که فرزند ، غذای " فهم و فکر " داشته باشد . لذا تا ۱۵ سالگی نباید کتاب بخواند .

درس‌یابد بالطف و ملایمت تعلیم شود چنانکه عواطف کودک سالم بمانند و بلکه پرورش‌یابند . ( که همین سلامت و رشد عواطف نیکوی او عامل اصلی تربیت وی ، در این سنین است . والا فرزند ما فردی مودبی و خیره سر خواهد گردید . دلسوزی معلم نباید دارای زیانهای تحمیل باشد ، بلکه با تدبیر درست باید انضباطی ملایم ، در فرزند ایجاد کند . برای تقویت قوه قضائی شاگرد در برابر مطالب کتاب و کلاس ، و نیز تلطیف میل و رغبت او باز هم ، از ارائه صحنه‌های دیدنی میتوان استفاده